

ظهور آية جلية في السماء:

ظهور نشانه‌ای روشن در آسمان

قال تعالى: ﴿سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ﴾ (1).

خدای تعالی می‌فرماید: «(به زودی آیات قدرت خود را در آفاق و در وجود خودشان به آنها نشان خواهیم داد تا برایشان آشکار شود که او حق است. آیا این که پروردگارت بر هر چیزی شاهد است، کافی نیست؟)»^۲

قال الإمام الصادق (عليه السلام): (فأَيُّ آية في الآفاق غيرنا أراها الله أهل الآفاق .. فأَيُّ آية أكبر منَّا) (3).

امام صادق (عليه السلام) می‌فرماید: «خداوند غیر از ما، چه آیه و نشانه‌ای را به اهل آفاق نشان داده است؟ پس کدامین نشانه برتر از ما می‌باشد؟»^۴

ولا شك أن لآية الكريمة ارتباط بالقائم (عليه السلام):

بدون شک این آیه‌ی کریمه، با حضرت قائم (عليه السلام) ارتباط دارد.

عن أبي بصير، قال: (سئل أبو جعفر الباقر (عليه السلام) عن تفسير قول الله عز وجل: "سنريهم آياتنا في الآفاق وفي أنفسهم حتى يتبين لهم أنه الحق"، فقال: يريهم في أنفسهم وفي الآفاق، وقوله: "حتى

1. فصلت: 53.

۲ - فصلت: 53

3. كامل الزيارات: ص 543.

۴ - كامل الزيارات: ص 543.

يتبين لهم أنه الحق" يعني بذلك خروج القائم هو الحق من الله عز وجل يراه هذا الخلق لأبد منه) (5).

ابوبصير می گوید: تفسیر این سخن خدای متعال که می فرماید «سنریهم آیاتنا فی الآفاق وفي أنفسهم حتى يتبين لهم أنه الحق» از امام باقر (علیه السلام) سؤال شد. حضرت فرمود: در خودشان و در آفاق به آنها نشان داده می شود، و مقصود از این سخن خدا که «حتى يتبين لهم أنه الحق» خروج قائم است؛ همان حقی از سوی خدای عزوجل که به این خلق می نمایاند و از آن چاره ای نیست.^۶

وفي هذا الصدد، قرأت توقيعاً للإمام المهدي (عليه السلام) كان قد بعث به إلى الشيخ المفيد (رحمه الله) يذكر فيه آيات تحصل في السماء ومثلها في الأرض بحلول شهر جمادي الأول عند اقتراب الظهور، ولكني لم أكن أعرف هل يقصد به زمننا هذا أم زمن الشيخ المفيد، على أنه (عليه السلام) يذكر فيه ظهوره بغتة وفجأة بعد الأحداث. وهذا نص التوقيع المشار إليه:

در همین راستا، توقیعی از حضرت مهدی (علیه السلام) که برای شیخ مفید رحمت الله فرستاده بود را خواندم که حضرت در آن، نشانه هایی که با حلول ماه جمادی الاول به هنگام نزدیک شدن ظهور، در آسمان و همانند آن در زمین حاصل می شود را بیان نموده است. لیکن من نمی دانستم که آیا مقصود حضرت، این زمان ما است یا زمان شیخ مفید؛ چرا که حضرت (علیه السلام) در آن توقیع ذکر فرموده بود که بعد از حوادث، ظهورش ناگهانی و به یکباره خواهد بود. این متن توقیع مورد اشاره است:

(ذكر كتاب ورد من الناحية المقدسة - حرسها الله ورعاها - في أيام بقيت من صفر، سنة عشر وأربعمائة على الشيخ المفيد أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان قدس الله روحه ونور ضريحه، ذكر موصله أنه يحمله من ناحية متصلة بالحجاز، نسخته:

5. الغيبة للنعماني: ص 277.

۶ - غيبت نعماني: ص 277.

مکتوبی در اواخر ماه صفر سال چهارصد و ده از ناحیه‌ی مقدسه به شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان (قدس الله روحه و نور ضریحه) رسید. رساننده‌ی آن مکتوب گفته است که آن را از منطقه‌ای متصل به حجاز آورده است. از آن نسخه برداشتم:

لأخ السديد، والولي الرشيد، الشيخ المفيد، أبي عبد الله محمد بن محمد بن النعمان أدام الله إِعزازه، من مستودع العهد المأخوذ على العباد.

این نامه‌ای است به برادر باایمان و دوست رشید، شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (خداوند عزتش را مستدام دارد) که از جمله پیمان‌هایی است که به ودیعه نهاده شده و از بندگان خدا اخذ گردیده است.

بسم الله الرحمن الرحيم: أما بعد: سلام عليك أيها الولي المخلص في الدين، المخصوص فينا باليقين فإننا نحمد إليك الله الذي لا إله إلا هو، ونسأله الصلاة على سيدنا ومولانا ونبينا محمد وآله الطاهرين، ونعلمك - أدام الله توفيقك لنصرة الحق، وأجزل مثوبتك على نطقك عنا بالصدق - : أنه قد أذن لنا في تشريفك بالمكاتبة، وتكليفك ما تؤديه عنا إلى موالينا قبلك، أعزهم الله بطاعته، وكفاهم المهم برعايته لهم وحراسته، فقف أيدك الله بعونه على أعدائه المارقين من دينه على ما أذكره، وأعمل في تأديته إلى من تسكن إليه بما نرسمه إن شاء الله.

بسم الله الرحمن الرحيم. اما بعد: سلام بر تو ای دوست مخلص در دین، که در اعتقاد به ما با یقین، امتیاز داری. ما شکر وجود تو را به پیشگاه خداوندی که جز او خدایی نیست می‌بریم و از او مسئلت می‌نماییم که رحمت خود را بر آقا و مولا و پیغمبر ما محمد و اولاد طاهرین او فرو فرستد، و به تو - که پروردگار توفیقت را برای یاری حق مستدام بدارد و پاداش تو را با سخنانی که با صداقت از جانب ما می‌گویی - افزون گرداند. اعلام می‌دارم که: به ما اجازه داده شده که تو را به شرافت مکاتبه مفتخر سازیم و موظف بداریم که آنچه به تو می‌نویسیم به دوستان ما که نزد تو هستند برسانی. خداوند ایشان را به طاعت خود عزیز بدارد و با حفظ و عنایات خود مشکلات آنان را برطرف فرماید. بر آنچه که ذکر می‌کنم درنگ کن - خداوند تو را به امداد خود بر دشمنانش که از دین او بیرون رفته‌اند، پیروز گرداند - و در رسانیدن آن به کسانی که بدیشان اطمینان داری به طرزى که ان شاء الله می‌نویسم عمل کن.

نحن وإن كنا ناوين (7) بمكاننا النائى عن مساكن الظالمين، حسب الذي أرانا الله تعالى لنا من الصلاح ولشيعتنا المؤمنين في ذلك ما دامت دولة الدنيا للفاسقين، فإننا نحيط علما بأنبائكم، ولا يعزب عنا شئ من أخباركم، ومعرفتنا بالذل الذي أصابكم مذ جنح كثير منكم إلى ما كان السلف الصالح عنه شاسعاً، ونبذوا العهد المأخوذ وراء ظهورهم كأنهم لا يعلمون. أنا غير مهملين لمراعاتكم، ولا ناسين لذكركم، ولولا ذلك لنزل بكم اللأواء أو اصطلمكم الأعداء فاتقوا الله جل جلاله وظاهرونا على انتياشكم من فتنة قد أنافت عليكم يهلك فيها من حم أجله ويحمى عنها من أدرك أملة، وهي أمانة لأزوف حركتنا ومباثتكم بأمرنا ونهينا، والله متم نوره ولو كره المشركون.

هر چند ما در جایی منزل کرده ایم که از محل سکونت ستمگران دور است و این هم به علتی است که خداوند صلاح ما و شیعیان با ایمان ما را تا زمانی که دولت دنیا از آن فاسقان می باشد در این دیده است، ولی در عین حال از اخبار و اوضاع شما کاملاً آگاهیم و چیزی از آن بر ما پوشیده نمی ماند. ما از لغزش هایی که از برخی شیعیان سر می زند آگاهیم؛ از وقتی که بسیاری از آنان میل به بعضی از کارهای ناشایسته ای نموده اند که نیکان گذشته از آن احتراز می نمودند و پیمانی که از آنان گرفته شده را پشت سر انداخته اند گویی از آن بی اطلاع اند. ما در رعایت حال شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را از خاطر نبرده ایم، که اگر جز این بود از هر سو گرفتاری ها به شما رو می آورد و دشمنان تان، شما را از میان بر می داشتند. از خداوند جل جلاله، پروا و از ما پشتیبانی کنید تا شما را از فتنه ای که به سوی تان روی آورده است و شما اینک در لبه ی پرتگاه آن قرار گرفته اید نجات بخشیم؛ فتنه ای که هر کس اجلس فرا رسیده باشد، در آن نابود می گردد و آن کس که به آرزوی خویش رسیده باشد از آن دور می ماند. آن فتنه، نشانه ی نزدیک شدن جنبش ما است و فاش نمودن خبر آن به امر و نهی ما، به وسیله ی شما است. خداوند نور خود را کامل می گرداند هر چند مشرکان خوش نداشته باشند.

اعتصموا بالتقية من شب نار الجاهلية، يحششها عصب أموية، يهول بها فرقة مهدية، أنا زعيم بنجاة من لم يرم فيها المواطن، وسلك في الطعن منها السبل المرضية، إذا حل جمادى الأولى من سنتكم هذه فاعتبروا بما يحدث فيه، واستيقظوا من رقدتكم لما يكون في الذي يليه. ستظهر لكم من السماء آية جلية، ومن الأرض مثلها بالسوية،

7. في أكثر المصادر: (ثاوين)، وفي بعضها: (نائين).

ويحدث في أرض المشرق ما يحزن ويقلق، ويغلب من بعد على العراق طوائف عن الإسلام مراق، تضيق بسوء فعالهم على أهله الأرزاق، ثم تنفرج الغمة من بعد ببوار طاغوت من الأشرار، ثم يستر بهلاكه المتقون الأخيار، ويتفق لمريدي الحج من الآفاق ما يؤملونه منه على توفير عليه منهم واتفاق، ولنا في تيسير حجهم على الاختيار منهم والوفاق شأن يظهر على نظام واتساق. فليعمل كل امرئ منكم بما يقرب به من بمحبتنا، ويتجنب ما يدنيه من كراهتنا وسخطنا، فإن أمرنا بغتة فجاءة حين لا تنفعه توبة ولا ينجيه من عقابنا ندم على حوبة. والله يلهمكم الرشده، ويلطف لكم في التوفيق برحمته) (8).

از برافروختن و شعله‌ور ساختن آتش پرشراره‌ی جاهلیت که گروه‌های اموی مسلک آن را برافروخته و گروه هدایت یافتگان را به وسیله‌ی آن می‌ترسانند، به تقیه پناه ببرید و به آن چنگ زنید. من نجات آن کسی را تضمین می‌کنم که در آن فتنه برای خود، موقعیت و جایگاهی نجوید و در انتقاد و عیب‌جویی از آن به راهی خداپسندانه گام سپارد. از رویدادی که به هنگامه‌ی فرا رسیدن جمادی الاولی امسال روی خواهد داد عبرت آموزید و از خواب گرانی که شما را ربوده است، برای رخداد سهمگین پس از آن بیدار شوید. به زودی نشانه‌ای روشن از آسمان برای شما پدیدار و نظیر آن در زمین نیز ظاهر می‌گردد. در شرق عالم، رویدادهای اندوه‌بار و دلهره‌آور رخ خواهد داد و آن گاه گروه‌هایی که از اسلام بیرون رفته‌اند، بر عراق سلطه خواهند یافت. بر اثر اعمال ناپسند آنها، مردم دچار تنگی معیشت می‌شوند و پس از مدتی بر اثر نابودی استبدادگری اشرار، این رنج و زحمت برطرف خواهد شد و آن گاه پرهیزگاران شایسته‌کار، از نابودی او شادمان خواهند شد و مردمی که از اطراف عالم به زیارت خانه‌ی خدا می‌روند، هر چه بخواهند در دسترس آنها قرار خواهد گرفت و ما در آسان ساختن سفر آنان مطابق دلخواهشان نقش و موقعیت ویژه‌ای خواهیم داشت که در پرتو نظم و تدبیر و انسجام، آشکار می‌گردد. از این رو، هر یک از شما باید به کارهایی بپردازد که او را به دوستی ما نزدیک سازد و از کارهایی که ناخوشایند و موجب خشم و ناراحتی ما می‌گردد، به شدت اجتناب ورزد؛ چرا که فرمان ما به طور ناگهانی فرامی‌رسد، در شرایطی که بازگشت و توبه سودی نبخشد و پشیمانی از گناه و زشت‌کاری، او را از کیفر عادلانه‌ی ما رهایی نخواهد داد. خداوند راه رشد و کمال را به شما الهام بخشد و وسایل پیروزی را به مهر و لطف خویش، برایتان فراهم آورد.^۹

8. الاحتجاج: ج 2 ص 324.

۹ - احتجاج: ج 2 ص 324.

فسألت السيد أحمد الحسن (عليه السلام) عن ذلك، فأجاب قائلاً:

از سید احمد الحسن (عليه السلام) در این خصوص سؤال نمودم و ایشان فرمود:

[ممکن أن يكون في هذا الزمان ما قاله في ذلك الزمان؛ لأنّ الكلام مقيد بزمن الظهور، فإن كان الظهور في ذاك الزمان حصل في ذاك الزمان، وإن تأخر الظهور تأخرت معه العلامات المرتبطة به. وأيضاً ليس ضرورياً أن تحصل، ففيها البداء (10). ولكن ما ينطبق في هذا الزمان يمكن الاستدلال به].

«می‌تواند آنچه در آن زمان بیان شده در این زمان اتفاق بیفتد؛ زیرا کلام مقید به زمان ظهور شده است. اگر ظهور در آن زمان اتفاق بیفتد، مربوط به آن زمان است و اگر ظهور به تأخیر بیفتد، علامت‌های مرتبط با آن نیز به تأخیر خواهد افتاد. به علاوه، به وقوع پیوستن آن نیز از ضروریات نمی‌باشد چرا که می‌تواند در آن بداء رخ دهد^{۱۱} اما آنچه در این زمان اتفاق می‌افتد را می‌توان به آن مستدل نمود.»

* * *

¹⁰. عن داود بن أبي القاسم، قال: (كنا عند أبي جعفر محمد بن علي الرضا عليهما السلام فجرى ذكر السفيناني وما جاء في الرواية من أن أمره من المحتوم، فقلت لأبي جعفر (عليه السلام): هل يبدو لله في المحتوم؟ قال: نعم، قلنا له: فنخاف أن يبدو لله في القائم، قال: القائم من الميعاد) الغيبة للنعمانی: ص 314.

^{۱۱} از داوود بن ابی‌قاسم نقل شده که گفت: «نزد ابوجعفر محمد بن علی الرضا - (عليهما السلام) بودیم که ذکر سفینانی و آنچه که در روایت به ابوجعفر. به میان آمد، آمده مبنی بر این که امر وی محتوم است (عليه السلام): فرمود عرض کردم: آیا خدا در امر محتوم بداء دارد؟ آری. حضرت فرمود. به آن حضرت عرض کردیم: ما می‌ترسیم که خدا در امر قائم نیز بداء روا دارد **قائم جزو مواعید است** غیبت». نعمانی: ص 314